

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

کاربرد موضوعی

۱۱۰ ضرب المثل در زبان

«درک زبان و فرهنگ از طریق گفته‌های رایج»

هری کولیس

ترجمه و اضافات:

احسان هنرجو

عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

محمد جواد صادقی مجد

عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

تصویرگر: ماریو ریسو



انتشارات
دانشگاه امام صادق علیه السلام

عنوان: کاربرد موضوعی ۱۱۰ ضرب المثل در زبان: درک زبان و فرهنگ از طریق گفته‌های رایج

تألیف: هری کولیس

تصویرگر: ماریو ریسو

ترجمه و اضافات: احسان هنرجو و دکتر محمد جواد صادقی مجد

ناشر: دانشگاه امام صادق علیه السلام

صفحه‌آرا: رضا عبداللهی بجنیدی

ناظر نسخه‌پردازی و چاپ: رضا دیبا

چاپ و صحافی: چاپ سپیدان

چاپ اول: ۱۴۰۴ قیمت: ۳/۸۰۰/۰۰۰ ریال

شمارگان: ۵۰۰ نسخه شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۸۱-۰۷۲-۵

«این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است»

فروشگاه مرکزی: تهران: خیابان انقلاب، بین خیابان فخررازی و خیابان دانشگاه، مجتمع پارسا، همکف، واحد ۳ و ۲

تلفن: ۶۶۹۵۴۶۰۳ - تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۰۶۰۶۷۴۱۱

فروشگاه کتاب صادق: تهران: بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، ضلع شمالی دانشگاه

صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵ • کد پستی: ۰۱۴۶۵۹۴۳۶۸۱ • تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲

E-mail: pub@isu.ac.ir • <https://isupub.ir> • فروشگاه اینترنتی:

سرشناسه: کالیس، هری

عنوان و نام پدیدآور: کاربرد موضوعی ۱۱۰ ضرب المثل در زبان: درک زبان و فرهنگ
از طریق گفته‌های رایج / تألیف: هری کولیس؛ تصویرگر: ماریو ریسو؛ ترجمه و اضافات:
احسان هنرجو و محمد جواد صادقی مجد.

مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، ۱۴۰۴.

مشخصات ظاهری: ۳۱۱ ص / شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۲۵۹-۷۲-۵

موضوع: ضرب المثل‌های آمریکایی

شناسه افزوده: ریسو، ماریو، ۱۹۲۶ - م، تصویرگر

شناسه افزوده: هنرجو، احسان، ۱۳۶۵ -، مترجم

شناسه افزوده: صادقی مجد، محمد جواد، ۱۳۵۰ -، مترجم

شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

رده‌بندی کنگره: PN۶۴۲۶

رده‌بندی دیویی: ۳۹۸/۹۲۱۰۹۷۳ شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۱۶۲۸۸۴

تمام حقوق محفوظ است، هیچ بخشی از این کتاب بدون اجازه مکتوب ناشر قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی از جمله چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا و انتقال در فضای مجازی نمی‌باشد.

این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

فهرست اجمالی

سخن ناشر.....	۱۳
پیشگفتار.....	۱۵
مقدمه مترجم: احسان هنرجو.....	۱۹
مقدمه مترجم: محمدجواد صادقی مجد.....	۲۳
فصل اول: اکنون همه باهم.....	۲۵
فصل دوم: این را امتحان کن.....	۵۱
فصل سوم: مواظب باشید!.....	۸۱
فصل چهارم: به پیش رفتن.....	۱۱۹
فصل پنجم: این هرگز کار نمی کند.....	۱۵۵
فصل ششم: این طبیعت انسان است.....	۱۸۱
فصل هفتم: دوست یا دشمن؟.....	۲۱۳
فصل هشتم: زندگی با لغایت.....	۲۲۹
فصل نهم: چیزهایی که هرگز تغییر نمی کنند.....	۲۶۷
نمایه.....	۲۹۷
منابع و مآخذ.....	۳۱۱

فهرست تفصیلی

سخن ناشر.....	۱۳
پیشگفتار.....	۱۵
مقدمه مترجم: احسان هنرجو.....	۱۹
مقدمه مترجم: محمدجواد صادقی مجد.....	۲۳
فصل اول: اکنون همه باهم.....	۲۵
کور کور را پیدا می کند آب گودال را.....	۲۷
یک دست صدا ندارد.....	۲۹
با یک دست دو هندوانه برنتوان داشت.....	۳۲
بگو دوستت کیست تا بگویم کیستی.....	۳۴
غم و اندوه با بیان بکاهد.....	۳۹
هیچ جا مثل خانه خود آدم نمی شود.....	۴۱
آشپز که دوتا شد آش یا شور می شود یا بی نمک.....	۴۳
هرکله ای عقلی دارد.....	۴۵
دونفری مصاحبت است، سه نفری مزاحمت.....	۴۸
فصل دوم: این را امتحان کن.....	۵۱
روزی یک سیب بخور و روی دکترا نبین.....	۵۳
خرما خورده منع خرما نکند.....	۵۵
زمانه با تو نسازد تو با زمانه بساز.....	۶۱
از خیرکاری گذشتن.....	۶۴

- چوب در سوراخ زنبور مکن ۶۶
- بی‌گدار به آب نزن ۶۸
- تا تنور داغ است نان را باید چسباند ۷۰
- دل مردان را از طریق شکمشان می‌توان بدست آورد ۷۲
- خواهی نشوی رسوا هم رنگ جماعت شو ۷۴
- ماهی را هروقت از آب بگیری تازه است ۷۶
- بار کج به منزل نمی‌رسد ۷۸
- فصل سوم: مواظب باشید!** ۸۱
- هرگردی گردو نیست ۸۳
- فضولی موقوف! ۸۷
- پایت را به اندازه گلیمت دراز کن ۸۹
- جایی که نمک خوردی نمکدان را مشکن ۹۱
- جوجه را آخر پاییزی می‌شمارند ۹۳
- آب رفته به جوی باز نمی‌گردد ۹۵
- از روی ظاهر کسی قضاوت نکن ۹۷
- دندان اسب پیشکشی را نمی‌شمارند ۹۹
- تمام سیب‌هایت را در یک سبد مگذار ۱۰۱
- کار امروز را به فردا مسپار ۱۰۳
- اسب را پشت گاری میند ۱۰۶
- آب که از سرگذشت چه یک وجب چه صد وجب ۱۱۰
- راه جهنم با سنگ فرش حُسن نیت فرش شده است ۱۱۲
- با حلوا حلوا گفتن، دهان شیرین نمی‌شود ۱۱۲
- تا نباشد چیزکی مردم نگویند چیزها ۱۱۴
- عیبجو خودش را نمی‌بیند ۱۱۶

فصل چهارم: به پیش رفتن ۱۱۹

- اولین قدم همیشه سخت‌ترین است ۱۲۱
- آن کس که از پیش آگاه است برای رویارویی مجهزتر است ۱۲۳
- کسی که تردید می‌کند، می‌بازد ۱۲۵
- اگر بار اول موفق نشدی دوباره بکوش و بکوش و بکوش ۱۲۷
- احتیاج مادر اختراع است ۱۲۹
- نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود ۱۳۱
- تا رنج نبری گنج نبری ۱۳۷
- قلم برنده تراز شمشیر است ۱۴۰
- اگر خواهی شوی خوشنویس بنویس و بنویس و بنویس ۱۴۳
- روم یک شبه ساخته نشده است ۱۴۵
- به بچه تا گریه نکند شیر نمی‌دهند ۱۴۸
- برای آموختن هیچ وقت دیر نیست ۱۵۱
- خواستن توانستن است ۱۵۳

فصل پنجم: این هرگز کار نمی‌کند ۱۵۵

- گدا حق انتخاب ندارد ۱۵۷
- آدم را به جامه نشناسند ۱۵۹
- ذات آدمی را نمی‌توان تغییر داد ۱۶۲
- زندگی فقط مادیات نیست ۱۶۴
- پول علف خرس نیست ۱۶۶
- با یک گل بهار نمی‌شود ۱۶۸
- آفتابه لگن شش دست شام و ناهار هیچ چیز ۱۷۰
- همه می‌خواهند رئیس باشند ۱۷۰
- اگر طرف خودش نخواهد با زور نمی‌شود کاری از پیش برد ۱۷۲

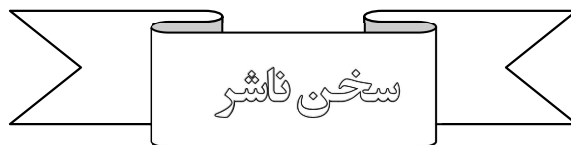
- ۱۷۴ هم خدا و هم خرما را خواستن
- ۱۷۶ آزموده را آزمودن خطاست
- ۱۷۸ ازین شاخه به آن شاخه نپر
- فصل ششم: این طبیعت انسان است** ۱۸۱
- ۱۸۳ تره به تخمش می رود، حسنی به بابایش
- ۱۸۸ سنگ بزرگ، نشانه نزدن است
- ۱۹۰ یک ده آباد بهتر از صد ده ویران است
- ۱۹۲ شاهنامه آخرش خوش است
- ۱۹۴ ترک عادت موجب مرض است
- ۱۹۶ آنچه یکی را نوش دیگری را نیش است
- ۱۹۸ دل کسی خواستن اما توانش را نداشتن
- ۲۰۰ دزد به دزد که می رسد چماق خود را می دزدد
- ۲۰۲ برای رسیدن به موفقیت راه های زیادی وجود دارد
- ۲۰۴ سرپیری و معرکه گیری
- ۲۰۶ تنوع چاشنی زندگی است
- ۲۰۸ گربه که نیست موش کد خداست
- ۲۱۰ گل بی عیب خداست
- فصل هفتم: دوست یا دشمن؟** ۲۱۳
- ۲۱۵ دوری و دوستی
- ۲۱۷ علف به دهان بزی شیرین است
- ۲۱۹ اول خویش، سپس درویش
- ۲۲۱ دوست خوب اونی که در تمام سختی ها کنارت باشه
- ۲۲۳ تقلید مخلصانه ترین نوع چاپلوسی است

کار دل است.....	۲۲۵
چرا خوبان در جوانی می میرند.....	۲۲۷
فصل هشتم: زندگی با لغایت	۲۲۹
عمل ما معرف است نه ادعای ما.....	۲۳۱
دیر رسیدن بهتر از هرگز نرسیدن است.....	۲۳۵
کار از محکم کاری عیب پیدا نمی کند.....	۲۳۸
سرکه نقد بهتر از حلوای نسبه است.....	۲۴۱
چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است.....	۲۴۳
عجله کار شیطان است.....	۲۴۵
عشق باعث چرخش جهان می شود.....	۲۵۱
از هردستی بدهی با همان دست پس می گیری.....	۲۵۳
باید خوب را با بد پذیرفت.....	۲۵۶
کسی که جومی کارد، گندم برداشت نخواهد کرد.....	۲۵۸
پیشگیری بهتر از درمان است.....	۲۶۴
فصل نهم: چیزهایی که هرگز تغییر نمی کنند.....	۲۶۷
کسی که خربزه می خورد، باید پای لرزان هم بنشیند.....	۲۶۹
خبر بد زود می رسد.....	۲۷۱
بهترین چیزها در زندگی رایگان اند.....	۲۷۳
هرکه بامش بیش، برفش بیشتر.....	۲۷۵
فلفل نبین چه ریزه بشکن ببین چه تیزه.....	۲۷۸
مرغ همسایه غاز است.....	۲۸۰
وقتی که می آید پشت سر هم می آید.....	۲۸۲
یک بلا دو بار بر کسی نازل نمی شود.....	۲۸۴

۲۸۶.....	حق با کسی است که زور دارد.....
۲۸۸.....	بی خبری خوش خبری است.....
۲۹۰.....	حقیقت تلخ است.....
۲۹۲.....	دست تصرف قوی است.....
۲۹۳.....	حلوای تنتنانی تا نخوری ندانی.....
۲۹۵.....	آش کشکه خالته، بخوری پاته، نخوری پاته.....
۲۹۷.....	نمایه.....
۳۱۱.....	منابع و مآخذ.....

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِنْ
عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ.

(قرآن کریم، سوره مبارکه النمل / آیه شریفه ۱۵)



رسالت و مأموریت دانشگاه امام صادق (علیه السلام) «تولید علوم انسانی اسلامی» و «تربیت نیروی درجه یک برای نظام» (که در راهبردهای ابلاغی مقام معظم رهبری مدظله تعین شده) است. اثرپذیری علوم انسانی از مبانی معرفتی و نقش معارف اسلامی در تحول علوم انسانی، دانشگاه را برآن داشت که به طراحی نو و بازمهندسی نظام آموزشی و پژوهشی جهت پاسخ‌گویی به نیازهای نوظهور انقلاب، نظام اسلامی و تربیت اسلامی به عنوان یک اصل محوری برای تحقق مأموریت خویش بپردازد و براین باور است که علم توأم با تزکیه نفس می‌تواند هویت جامعه را متأثر در مسیر تعالی و رشد قرار دهد.

از این حیث «تربیت» را می‌توان مقوله‌ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چهارچوب آن معنا می‌یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل‌ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می‌سازد.

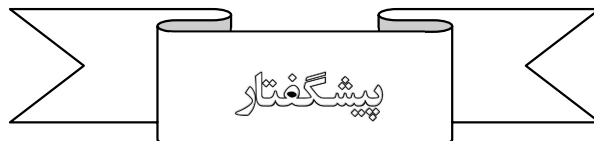
از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام

پژوهش‌های علمی و بهره‌مندی از نتایج آن‌هاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی-پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» درواقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است. دانشگاه امام صادق (ع) درواقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که هم‌اکنون ثمرات نیکوی آن در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیان‌گذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود با اتکاء به تأییدات الهی و تلاش همه‌جانبه اساتید، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام‌عیار در گستره جهانی تبدیل گردد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع) با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی-کارکردی آن‌ها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام-ضمن‌قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند-درک کاستی‌ها و اصلاح آن‌هاست تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که درنهایت مرجعیت مکتب علمی امام صادق (ع) را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت (ان شاء الله).

والله الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه



ضرب المثل‌ها با بیان اصول اولیه حکمت و سیره عامیانه، جزء ضروری و ماندگار گفتار روزمره در همه جوامع شده است. غالباً احکام یک فرهنگ، احکام فرهنگ دیگر است؛ زیرا آن‌ها حاصل تجربیات رایج هستند.

هرزبانی ضرب المثل‌های خاص خود را دارد؛ به طوری که آن ضرب المثل عبارت منحصربه‌فردی است که به گیرایی و جاذبه زبان کمک می‌کند؛ اما هرچه که چرخش عبارت شناختی باشد، بسیاری از ضرب المثل‌ها معانی مشابهی را به اشکال مختلف منتقل می‌کنند؛ به عنوان مثال، ضرب المثل اسپانیایی «Dime con quien andas y te dire quien ares» (به من بگو با چه کسی معاشرت می‌کنی و من به تو می‌گویم که تو کی هستی)، معادلی در ضرب المثل انگلیسی «A man is known by the company he keeps» «یک مرد با گروهی که در آن است، شناخته می‌شود» است. عبارت فرانسوی Jamais deux sans trois (هرگز دو بدون سه) نیز با عبارت انگلیسی It never rains but it pours (هرگز نمی‌بارد، ولی می‌ریزد) مطابقت دارد.

یادگیری و استفاده از ضرب المثل‌ها برای افراد غیربومی نسبتاً آسان است. هنگامی که مفهوم ضرب المثل درک شد، دانش‌آموزان اغلب می‌توانند آن را با

مفاهیم مشابه به زبان خود مرتبط کنند؛ درحالی که استفاده صحیح و طبیعی از اصطلاحات، مستلزم تمرین بیشتر و «حس» بهتر برای زبان است.

۱۰۱ ضرب المثل انگلیسی آمریکایی برای کمک به دانش آموزان انگلیسی در درک و استفاده از ضرب المثل های مربوط به موقعیت های روزمره طراحی شده است. ضرب المثل های این کتاب در ۹ بخش موضوعی دسته بندی شده اند تا دانش آموزان در درک و فراگیری ضرب المثل ها برای استفاده در زمینه های خاص تسهیل شوند. در هر بخش، ضرب المثل ها به ترتیب حروف الفبا فهرست شده اند.

ضرب المثل های گنجانده شده در ۱۰۱ ضرب المثل انگلیسی آمریکایی، از جمله ضرب المثل هایی هستند که بیشتر برای انگلیسی زبانان بومی آشنا هستند و مورد استفاده قرار می گیرند. هر ضرب المثل در رایج ترین شکل خود، همراه با یک تعریف استاندارد انگلیسی ارائه شده است. لازم به ذکر است که بسیاری از ضرب المثل ها دارای اشکال مختلف و همچنین بیش از یک معنی هستند.

بعید است که دانش آموزان از این انعطاف پذیری ناراحت شوند، اگر به وجود آن در ضرب المثل های زبان بومی خود فکر کنند، عبارات و تعاریف انتخاب شده در این کتاب برای کمک به دانش آموزان در دستیابی به درک اساسی از هر ضرب المثل است.

یک نقاشی متحرک و یک بند کوتاه یا گفتگو برای کمک به نشان دادن معنی و کاربرد هر ضرب المثل ارائه شده است. بندها و گفتگوها دو هدف را دنبال می کنند: درک این ضرب المثل در یک محیط عادی روزمره و افزایش آگاهی دانش آموز از گفتار طبیعی آمریکایی. برای این منظور آن ها شامل بسیاری از عبارات معاصر هستند. این عبارات نباید از درک اساسی ضرب المثل منصرف شود. تصاویر، یک عنصر طنز را اضافه و در عین حال به

انتقال معنای هر ضرب المثل کمک می‌کنند. یک نمایه برای تسهیل یادآوری و مکان ضرب المثل‌ها گنجانده شده است. تعاریف استاندارد انگلیسی برای ضرب المثل‌ها نیز در فهرست ذکر شده است.

۱۰۱ ضرب المثل انگلیسی آمریکایی یک ابزار عالی برای آموزش بخشی از زبان انگلیسی است که بخشی جدایی ناپذیر از زبان است. این کتاب همچنین به عنوان سکوی پرشی برای گفتگو در مورد برخی از شباهت‌ها و تفاوت‌های بین زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف عمل می‌کند. هم افراد غیربومی و هم بومی زبان انگلیسی از اطلاعات زبانی و فرهنگی فراوانی که در این مجموعه از ۱۰۱ ضرب المثل انگلیسی آمریکایی یافت می‌شود، بهره‌مند می‌شوند و از آن لذت می‌برند.

مقدمه مترجم: احسان هنرجو

کتاب پیش رو نمونه‌ای از کاربرد ضرب‌المثل‌های (زبانزدهای^۱) رایج زبان است که براساس کتاب ۱۰۱ ضرب‌المثل انگلیسی آمریکایی به نگارش درآمده است. بدیهی است، زبانزدها کاربرد فراوانی در زبان و به‌ویژه در گفتگوهای روزمره ایفا می‌کنند و گویشوران مناطق مختلف در گفتگوهای روزمره بهره زیادی از آن می‌برند و ضرورت یادگیری آن‌ها بر زبان‌آموزان پوشیده نیست؛ بنابراین، اهمیت آشنایی با زبانزدها در هر زبان، برای افزایش درک مطلب شنیداری و همچنین گفتگوی موضوعی روزمره ضروری می‌نماید. هرچند تاکنون در این زمینه آثار متعددی منتشر شده است؛ اما این کتاب نسبت به کتاب‌های مشابه دارای رویکرد متفاوتی است.

هدف این پژوهش ترجمه صرف نیست بلکه تلاش شده تا از گنجینه ادب فارسی نیز که از قضا برخی از آن‌ها وارد زبان عامیانه نیز شده‌اند، در برگردان زبانزدها استفاده شود؛ بنابراین، در این اثر به فراخور موضوع، از نظم،

۱. موضوعی که بر سر زبان‌ها افتد و در همه جا بگویند: مطلبی و سخنی که عده بسیاری از آن آگاه شوند و به یکدیگر بگویند (فرهنگ فارسی عمید).

نشرو عبارت‌های نغزادب فارسی نیز استفاده شده است که از این حیث کار را با نمونه‌های پیشین متمایز ساخته و نوعی نوآوری محسوب می‌شود. از آنجایی که مرز بین این دو همواره قابل احصا نیست، از نام‌گذاری ترجمه‌ها به عامیانه و ادبی پرهیز کرده‌ایم؛ به عنوان مثال: در زبانزد To Kill Two Birds with One Stone، در ابتدا زبان‌آموز با معنای عامیانه آن: با یک تیر دو نشان زدن را می‌آموزد و آنگاه از نگاه ادبی با معادل: چه خوش بُود که به یک کرشمه برآید دو کار / زیارت شه عبدالعظیم و دیدن یار که همین مفهوم را در ذهن متبادر می‌نماید، آشنا می‌شود. به علاوه، معادل‌های دیگری جهت آشنایی بیشتر زبان‌آموزان در پانوشست صفحات درج شده است. از آنجایی که کتاب سه‌زبانه می‌باشد در ترجمه اصطلاحات و معادل‌یابی به زبان فصیح عربی، با رعایت اولویت سعی بر استفاده از گنجینه معارف اسلامی و آیات و روایات اسلامی نیز شده است که این اثر را نسبت به آثار مشابه متمایز می‌سازد. تلاش دیگر این اثر، آشنایی و انس بیشتر زبان‌آموزان با زبان فاخر و ادبی فارسی و ظرفیت این زبان در ترجمه ادبی است. در این فرهنگ سعی شده است تا ضروری‌ترین امثال رایج زبان انگلیسی و معادل آن‌ها با استفاده از منابع مختلف ارائه شود. همچنین، تمرکز بیشتر این کتاب معطوف به نیاز زبان‌آموز برای دانستن معانی و چگونگی کاربرد آن‌هاست.

به علاوه، مؤلف با تلفیق تصویر و زبانزد و با استفاده از فن تصویرسازی ذهنی نقش برجسته‌ای در به ذهن سپاری زبان‌آموزان ایفا می‌کند. همچنین، جهت تقویت این موضوع هر زبانزد در بافت (context) آمده است که زبان‌آموز را در کاربرد آن در گفتگوهای روزانه آشنا می‌سازد و از این نظر، کتاب موقعیت‌محور است. لازم به توضیح است که در قسمت فهرست عناوین و نمایه‌ها، از برابرنهادهای مختلف یک زبانزد، عمدتاً از معادلی استفاده شده است که هم گویشور بومی با آن انس بیشتری دارد و هم رایج بوده و اصطلاحاً

مثال سائر شده است.

مترجمان، سعی بر آن دارند تا معادل‌های گوناگون فارسی، و عربی را از منابع مختلف، در فارسی فرهنگ‌های مختلف امثال و حکم؛ از جمله کتاب امثال و حکم دهخدا، و در عربی از قرآن کریم، نهج البلاغه، کتب ادعیه و سایر کتب ارزشمند دینی و فرهنگ‌های ضرب‌المثل جمع‌آوری کنند که از این‌رو نوع پژوهش، ترجمه-تألیف می‌باشد. گاه برای هر زبانزد بیش از چندین معادل فارسی و عربی پیشنهاد شده است که هم مترجم در انتخاب‌ها آزادانه‌تر عمل می‌کند و هم انتقال معنا راحت‌تر انجام می‌گیرد.

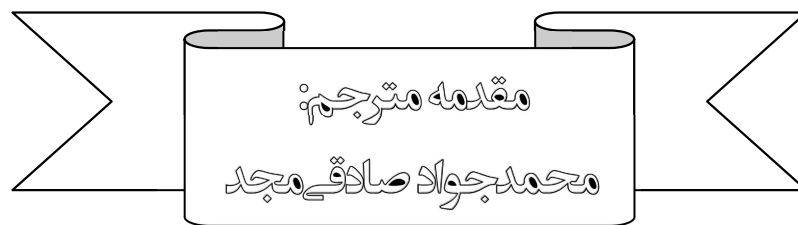
از این گذشته، از آنجایی که عدد ۱۰۱ در عنوان کتاب، در الفبای ابجد مدلول مناسبی ندارد، مترجمان با افزودن ۹ زبانزد دیگر تعداد ۱۱۰ ضرب‌المثل را در اثر گنجانند که در الفبای ابجد، این عدد معادل مفهوم متبرک امام علی (علیه السلام) می‌باشد.

در پایان بر خود لازم می‌دانم از مساعدت و همکاری مرکز آموزش زبان دانشگاه، در انتشار و چاپ این اثر تشکر و قدردانی نمایم. امیدوارم که این اثر پنجره جدیدی را از امثال و تعبیرات در حوزه زبان روزمره، معارف اسلامی و ترجمه ادبی به روی زبان‌آموزان بگشاید، و مورد استفاده علاقه‌مندان این حوزه قرار گیرد.

احسان هنرجو

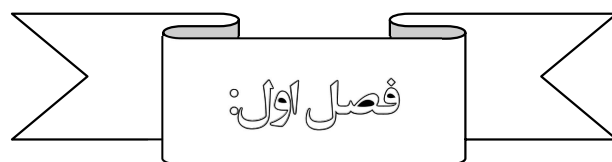
عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

تابستان ۱۴۰۴



سعی ما در این کتاب بر این بوده است که در برابر نهادهای عربی مثل‌ها یا ضرب‌المثل‌های ذکر شده، ابتداً از قرآن کریم و سپس از جوامع روایی معتبر شیعه و یا از نهج‌البلاغه معادل‌یابی کرده و آنها را در کنار هم قرار دهیم تا بدین‌سان نشان دهیم چگونه فطرت پاک نهاد انسانی برآمده از زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف به یک حقیقت واحد اشاره دارند؛ البته دور از انتظار نیست که گاهی ما نتوانیم معادل دقیقی برای این ضرب‌المثل‌ها بیابیم. گاهی نیز ضرب‌المثل انگلیسی را به دور از کرامت انسانی یافتیم که در این خصوص نقطه مقابل آموزه نورانی قرآنی و روایی را یافته و با حفظ امانت آن را ذکر کرده‌ایم.

محمدجواد صادقی مجد
عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)
تابستان ۱۴۰۴



Birds of a Feather Flock Together



عامیانه:

کور کور را پیدا می کند آب گودال را^۱

کبوتر با کبوتر باز با باز / کند هم جنس با هم جنس پرواز.^۲

۱. کور، کور را می جوید؛ آب، گودال را (دهخدا، ۱۳۶۳، ج ۳: ۱۲۴۳).

خرمی کند می رود پیش خر (حییم، ۱۳۳۴: ۱۷۷).

۲.

کبوتر با کبوتر باز با باز کند هم جنس با هم جنس پرواز
(نظامی)

نظیر:

با کبوتر باز کی شد هم نفس کی شود هم راز عنقا با مگس
(مولوی)

کبوتر کند با کبوتر پرش کند زاغ با زاغ دیگر چرش
(مرحوم ادیب)

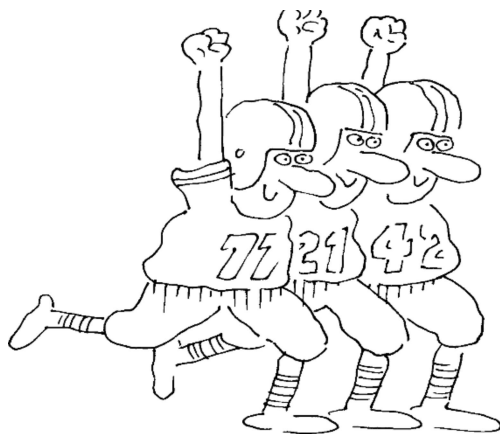
(دهخدا، ۱۳۶۳، ج ۳: ۱۱۹۱)

إِنَّ الطُّيُورَ عَلَى أَشْكَالِهَا تَقَعُ^۱

I haven't seen Mark lately. Do you know where he's been?
 As far as I know, he's still hanging around with those rock musicians.
 He's been attending their rehearsals, hoping to pick up a few pointers.
Birds of a feather flock together. I know he wants to start his own group, so I guess I shouldn't be surprised that he hasn't had much time for his buddies. Still, I'd like to hear from him just to see how it's going.
People with the same interests do tend to associate with each other.
 But I agree with you; that's no excuse for not keeping in touch with old friends.

۱. كُلُّ طَيْرٍ يَأْوِي إِلَى شَكْلِهِ (أو جَنْسِهِ) (ناصری، ۱۳۹۰: ۵۰۷).
 الطُّيُورُ عَلَى أَشْكَالِهَا تَقَعُ. كُلُّ امْرِيٍّ يَمِيلُ إِلَى مِثْلِهِ. الْجِنْسُ إِلَى الْجِنْسِ يَمِيلُ. النَّاسُ عَلَى أَشْكَالِهِمْ أُمِيلُ. الْأَرْوَاحُ جُنُودٌ مُجْتَدَّةٌ فَمَا تَعَارَفَ مِنْهَا اتَّخَلَفَ وَمَاتَنَّاكَرَ مِنْهَا اخْتَلَفَ.
 وَشَبَّهَ الشَّيْءُ مَنْجَذِبٌ إِلَيْهِ وَأَشْبَهْنَا بِدُنْيَانَا الطَّغَامُ
 (كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ) (اسراء: ۸۴). هرکس به روش خود کار می‌کند (ناصری، ۱۳۹۰: ۶۳۹).
 (الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ) (نور: ۲۶).
 زنان بدکار و ناپاک شایسته مردانی بدین وصفند و مردان زشتکار و ناپاک نیز شایسته زنانی بدین صفتند و (بالعکس) زنان پاکیزه نیکو لایق مردانی چنین و مردان پاکیزه نیکو لایق زنانی همین گونه‌اند.

In Unity There Is Strength



عامیانه:

یک دست صدا ندارد^۱

خُست به اتفاق ملاحه جهان گرفت / آری به اتفاق جهان می توان گرفت.^۱

۱. یک دست صدا ندارد (دهخدا، ۱۳۶۳، ج ۴: ۲۰۲۴).

یک دست بی صداست. از صدا آواز اراده شده است؛ مثال:

گویند آواز برنخاست ز دستی	آری در این سخن بخردی منگر
مردی کز نیروی دو دست برومند	باز گشاید منیع سد سکندر
زان دویکی را اگر ببندی بر پشت	مرد به یک دست عاجز آید و مضطر
	(ملک الشعرای بهار)

دست چپم بجاست اگر نیست دست راست	اما هزار حیف که یک دست بی صداست
	(از شبیه عباس (ع))
هیچ بانک کف زدن آید بدر	از یکی دست تویی دست دگر
	(مولوی)

(همان: ۲۰۴۱-۲۰۴۲)

يَدٌ وَاحِدَةٌ لَا تُصَفِّقُ.^۲

۱.

آری به اتفاق جهان می توان گرفت (حسنّت به اتفاق ملاحظت جهان گرفت...) (حافظ)

نظیر:

دولت همه ز اتفاق خیزد بی دولتی از نفاق خیزد
دو دل یک شود بشکند کوه را پراکنندگی آرد انبوه را
مورچگان را چو بود اتفاق شیرژیان را بدرانند پوست

(سعدی)

دو دوست باهم اگر یکدل اند در همه کار هزار طعنه دشمن به نیم جونخزند
نظیر این بنمایم ترا ز مهره نرد بکان یکان بسوی خانه راه می نبرند
ولی دو مهره چو هم پشت یکدگر گردند دگر تپانچه دشمن به هیچ رو نخورند
بکوش این یمین دوستی به دست آور که دشمنان سوی یک تن به صد بدی نگرند

(ابن یمین)

اگر دو یار موافق دو دل یکی سازد فلک به یک تن تنها چه می تواند کرد
ز دانا تونشنیدی این داستان که برگوید از گفته باستان
که گردو برادر نهد پشت پشت تن کوه را باد ماند به مشّت

(فردوسی)

صد هزاران خیط یک تورا نباشد قوتی چون به هم برتافتی اسفندیارش نگسلد

(سعدی)

آب را چون مدد بود هم از آب گلستان گردد آنچه بود خراب

(سنائی)

(دهخدا، ۱۳۶۳، ج ۱: ۳۰)

۲. يَدٌ وَاحِدَةٌ لَا تُصَفِّقُ. يَدُ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ. الْقُوَّةُ فِي الْإِتِّحَادِ. لَا يَعِزُّ الْقَوْمُ إِذَا تَعَاوَنُوا. الْكَثْرَةُ غَلَبَتِ الشَّجَاعَةَ. لَيْسَ الدَّلْوُ إِلَّا بِالرِّشَاءِ.

إِنَّ التَّعَاوُنَ قُوَّةٌ غَلَوِيَّةٌ تَبْنِي الرِّجَالَ وَتُبْدِعُ الْأَشْيَاءَ

If we want better working conditions, we've got to get together and make up a list of grievances to present to the administration.

But what makes you think they'll listen to us?

In unity there is strength! We won't get anywhere by complaining individually. **We can accomplish more as a group than we can by ourselves.**

That makes sense. Let's call a meeting of all the employees of the shop.

We can pin down our demands and present a united front. Maybe we'll get someplace this time.

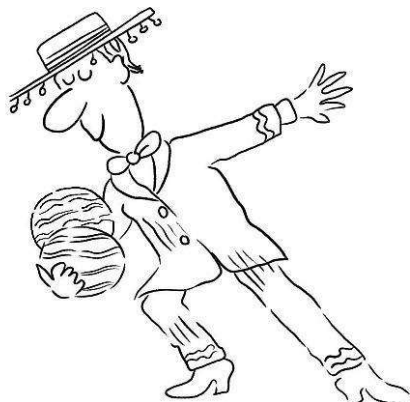
تَأْتِي الرِّمَاحُ إِذَا اجْتَمَعْنَ تَكَشَّرَا وَإِذَا افْتَرَقْنَ تَكَشَّسَتْ أَفْرَادَا
إِذَا الشَّعْبُ يَوْمًا أَرَادَ الْحَيَاةَ فَلَا بُدَّ أَنْ يَسْتَجِيبَ الْقَدَرُ

(ناصری، ۱۳۹۰: ۲۷۶-۲۷۷)

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ﴾ (فتح: ۱۰). به یقین کسانی که با تو بیعت می‌کنند، جزاین نیست که با خدا بیعت می‌کنند؛ قدرت خدا بالاتراز همه قدرت هاست. ﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ (آل عمران: ۱۰۳). و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید.

پیامبر اسلام (ص): الْجَمَاعَةُ رَحْمَةٌ وَالْفُرْقَةُ عَذَابٌ. وحدت مایه رحمت، و تفرقه موجب عذاب است. کنز العمال، ح ۲۰۲۴۲. إِنَّ يَدَ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ. دست خدا با جماعت است (نهج البلاغه: الخطبه ۱۲۷).

It Takes Two to Tango



عامیانه:

با یک دست دو هندوانه بر نتوان داشت^۱

نه یک کس تواند که سازد دو کار / که آن را پسندد ارباب هوش.^۲

۱. با یکدست دو هندوانه بر نتوان داشت؛ نظیر: کس بر نداشته است به دستی دو خربزه. یا خدا می شود یا خرما (دهخدا، ۱۳۶۳، ج: ۱، ۳۷۳).

۲.

نه یک کس تواند که سازد دو کار	که آن را پسندند ارباب هوش
دو کس نیز در عمل ضایع اند	که دیگ شراکت نیاید بجوش

(نقل از اخلاق محسنی)

(همان: ۳۷۳)

لَا تَحْمِلِ بَطِّيخَتَيْنِ بِيَدٍ وَاحِدَةٍ^۱.

Look how crooked the linoleum is along the edges of the wall. It looks just awful!

I never said I was an expert in laying linoleum. Besides, **it takes two to tango.**

Just what do you mean by that?

Well, you're the one who gave me the measurements. If the job turned out **badly it was just as much your fault as it was mine.**

Maybe so, but if you'll remember, I wanted to hire a professional to do the job. You were the one who thought we should save money by doing it ourselves.

I guess we both learned a lesson. Next time we'll know better.

۱. لَا تُمَسِكْ بَطِّيخَتَيْنِ بِيَدٍ وَاحِدَةٍ. مَنْ يَأْكُلُ بَيْدَيْنِ يَنْفَذُ (ناصری، ۱۳۹۰: ۲۷۶).

لَا زَائِي لِمَنْ لَا يُطَاعُ. رأی تدبیر ندارد کسی که فرمانش را نمی‌برند و پیروی از احکامش نمی‌نمایند (نهج البلاغه: خطبه ۲۷).

A Man Is Known by the Company He Keeps



عامیانه:

بگو دوستت کیست تا بگویم کیستی

تو اول بگو با کیان زیستی / پس آنگه بگویم که تو کیستی^۱.

۱.

تو اول بگو با کیان زیستی	پس آنگه بگویم که تو کیستی
کمال هم نشین در من اثر کرد	(سعدی)
(گلی خوشبوی در حمام روزی	و گرنه من همان خاکم که هستم
بدو گفتم که مشکی یا عبیری	رسید از دست محبوبی به دستم
بگفتا من گلی ناچیز بودم	که از بوی دلاویز تو مستم
	ولیکن مدتی با گل نشستم ...)
	(سعدی)

(دهخدا، ۱۳۶۳، ج ۳: ۱۲۳۳)

آلوچوبالو نگرده رنگ برآرد.
نظیر:

با بدن کم نشین که درمانی	خوپذیراست نفس انسانی (سنائی)
کندار عاقلست به حق در خشم	به از آن کت به بندد ابله چشم
همه کار تو باد با عقلا	دور بادی ز صحبت جهلا (سنائی)
صحبت ابلهان چه دیگ تهی است	از درون خالی از برون سیاهی است (سنائی)
بگفتا من گلی ناچیز بودم	ولیکن مدتی با گل نشستم ... (سنائی)
اسب توسن ز اسب ساکن رگ	گشت همخواگر نشد هم تک (سنائی)
مکن با بد آموز هرگز درنگ	که انگور گیرد ز انگور رنگ (از نفایس)
هم نشین تواز تو به باید	تا ترا عقل و دین بیفزاید
هست تنهایی به از یاران بد	نیک چون با بد نشیند بد شود (مولوی)
پسرنوح با بدن بنشست	خاندان نبوتش گم شد
سگ اصحاب کهف روزی چند	پی نیکان گرفت مردم شد (سعدی)
یار بد بدتر بود از مار بد	تا توانی می گریز از یار بد
مار بد تنها همی بر جان زند	یار بد بر جان و بر ایمان زند
اسب تازی در طویله گریبندی پیش خر	رنگشان همگون نگردد طبعشان همگون شود
زینهار از قرین بد زنهار	وقنارینا عذاب النار (سعدی)
تونادانی و نشنیدی مگر آن	که از بدخواه بدتر یار نادان (ویس و رامین)